

تعارض قدرت‌های جهانی و نقش دیپلماسی انگلیس در مواجهه با گفتمان جنبش جنگل در ایران

محمدحسین اسماعیلی سنگری*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و تشریح چالش توأمان دیپلماسی انگلستان با دیگر قدرت‌های جهانی و با جنبش اجتماعی جنگل در ایران است. در این بررسی بر تعارضات گفتمانی و سیاسی بین انگلستان و دیگر قدرت‌های درگیر در ایران در دو دهه نخست سده بیست تمرکز شده است. سپهر سیاست در آن شرایط شاهد نقش آفرینی: انگلستان، روسیه سپس شوروی، آلمان و عثمانی و نیز کشمکش‌های جنبش‌های اجتماعی با آن‌ها در دایره‌ی زنجیره‌هایی از تفاوت و هم‌ارزی و اعتباربخشی یا اعتبارزدایی، مفصل‌بندی می‌شد. در آن حال جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی با برخورداری از گفتمان سیاسی نوین به ارائه نظام معنایی جدید مبادرت ورزید و با مفصل‌بندی منحصر به فرد به غیریت‌سازی پرداخت و با ایجاد هژمون و سلطه‌ی منطقه‌ای خواستار استیلاي نظام جمهوری در ایران گشت. در این راستا سؤال اساسی پژوهش این است که دیپلماسی انگلستان در تعارض هم‌زمان با آلمان و عثمانی چگونه گفتمان سیاسی جنبش جنگل را به چالش کشانده و نظام معنایی آن را دچار انسداد و توقف ساخته است؟ یافته‌ی پژوهش نشان می‌دهد رهبران جنبش جنگل گفتمان خود را با به حاشیه راندن متن و معنای گفتمانی رقیب و برجسته‌سازی عناصر و معانی گفتمانی خود و بر اساس غیریت‌سازی و تضاد با دو گفتمان: پادشاهی - سلطنتی و مارکسیسم - لنینیسم، مفصل‌بندی نمودند؛ اما در وقته‌ی طبیعی شدگی با تضاد حوزه‌ی گفتمانی و سیاسی انگلستان مواجه گردیدند، در نتیجه تفوق آن‌ها دچار گسست و واژگونی شدند. چارچوب نظری این پژوهش نظریه گفتمانی لاکلائو و موفه بوده و با روش کیفی نگارش شده و ماهیت روش پژوهش، تحلیلی - توصیفی است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، تعارض، جنبش جنگل، دیپلماسی انگلستان، قدرت‌های جهانی.

۲۱۵



سیاست جهانی

10.22124/wp.2022.21386.2962

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۴۰ (صفحات: ۲۱۵-۲۴۰)

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

نویسنده مسئول: sangariam2004@yahoo.com

هم‌زمان با شعله کشیدن جنگ اول جهانی (۱۹۱۴ م) جنبش جنگل در گیلان نیز اوج گرفت. بحران جهانی قدرت‌ها بر اساس دو محور از تعارض بین تصمیم‌های متفاوت و اقتدارگرایی ترسیم می‌شد. رویارویی: روسیه و انگلیس در یک‌سو، با آلمان و عثمانی از سویی دیگر به همراه متحدان آنان برای نیل به حداکثر منافع. در این بحبوحه وقتی که در سال ۱۹۱۷ م انقلاب بلشویکی در روسیه پیروز شد و با جنبش جنگل مرتبط شد و به‌ویژه وقتی جبهه‌ای در داخل جنبش جنگل به آرمان و ایدئولوژی چپ مارکسیست-لنینیستی دل بست و فعال شد، وقت و شرایطی بود که جنبش جنگل در گیلان برای قدرت‌های متخاصم به‌ویژه برای انگلستان حساسیت یافت و مهم گردید. از این زمان چالش جنگل برای انگلستان (در برابر شوروی) مسئله‌ای حاشیه‌ای نبود. به‌خصوص آنکه دولت شوروی جایگزین روسیه تزاری شده بود و اندیشه مارکسیسم را حمل می‌کرد. غامض‌تر آنکه وقت و زمانی که به‌صورت غیرمستقیم آلمان و عثمانی هم از جنبش جنگل حمایت نمودند؛ سپاسیون انگلیسی متقاعد شدند تا به‌صورت مستقیم در قضیه ایران و مسیر و سرنوشت جنبش جنگل دخالت نمایند زیرا منافعش در محاق و محاصره قرار گرفته بود. تصاعد تعارض بین دولت‌های قدرتمند جهانی در قبال جنبش جنگل اساساً دو دلیل عمده داشت: موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک شمال ایران و همچنین اهمیت منابع انرژی و نفت منطقه قفقاز. مسئله اساسی در بحبوحه تصاعد و رشد تعارضات بین قدرت‌های جهانی این شده بود که تعارض و تقابل بین آن‌ها چه ماهیت و نتیجه‌ای دارد و اساساً چه اثری بر کشورهای دیگر از آن جمله ایران خواهد گذاشت. در این بین واکنش‌های اجتماعی به مداخله و حضور نیروها و قوای خارجی به شکل جنبش‌های اجتماعی معارض رقم می‌خورد. چه آنکه دولت مرکزی تهران در برابر کنش‌های قدرت‌های بزرگ مستأصل و بی‌اثر و از جایگاه واقعی تهی شده بود. در میان واکنش‌های منفی به مداخلات خارجی جنبش جنگل در شمال ایران به رهبری میرزا کوچک جنگلی برجستگی ویژه داشت. دلیل اساسی برجستگی جنبش جنگل به گفتمان سیاسی- اجتماعی جنبش جنگل برمی‌گشت چون قادر بود توازن قدرت خارجی و نفوذ گفتمانی رقبا در ایران را به هم زند. جنبش جنگل با تکیه بر دال مرکزی خود توان جذب

دال‌های شناور و ایجاد معنا در عناصر سرگردان را داشت. گفتنمان نوظهوری بود که موفق به ایجاد هژمون شده و در آن برهه تاریخی حضور قدرت بیگانه و استیلای خارجی در ایران را به محاق کشیده و به‌سختی دچار چالش ساخته بود.

در این بین سؤال اساسی این پژوهش جای خود را می‌یابد اینکه دیپلماسی انگلستان در تعارض هم‌زمان با آلمان و عثمانی چگونه گفتنمان سیاسی جنبش جنگل را به چالش کشانده و نظام معنایی آن را دچار انسداد و توقف ساخته است؟ تصاعد تعارضات قدرت‌های جهانی در یک‌وقته یا برهه تاریخی مسیر دیگری را پیمود و موجب انشعاب، پراکندگی، یأس سیاسی و سپس شکست جنبش جنگل آن هم با دیپلماسی انگلیسی گردیده است. مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی - توصیفی نگارش شده و درصدد تبیین این موعا از منظر تحلیل گفتنمان است. روش پردازش داده‌های مقاله تبیینی - تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات اسنادی، رایانه‌ای و کتابخانه‌ای بوده است.

هدف اصلی مقاله این است که با استفاده از روش تحلیل گفتنمان مبتنی بر نظریه لاکلائو و موفه، جنبش اجتماعی جنگل به رهبری میرزا کوچک را در پروسه تغایر مورد تحلیل و واکاوی علمی قرار دهد و به‌دوراز حماسه گرایی ملی این جنبش اجتماعی را تبیین نماید؛ و آثار تحلیلی آن را از منظر گفتنمانی به منصفه ظهور رساند. می‌خواهد توضیح دهد که جنبش جنگل چگونه هویت و نظام معنایی داشته و چگونه دیپلماسی انگلستان در تغایر و نزاع توأمان خود با قدرت‌های جهانی (آلمان، روسیه، شوروی، عثمانی) گفتنمان جنبش جنگل و نظام معنایی آن را پس از نیل به قراردادهای سه‌گانه (بین مسکو + لندن، تهران + لندن، تهران + مسکو) دچار انسداد نموده و واژگون ساخته است.

نوآوری‌های این پژوهش این‌که نشان داده است جنبش جنگل حائز نظام معنایی و گفتنمان سیاسی - اجتماعی ویژه‌ای بوده است؛ زیرا رهبران جنبش جنگل گفتنمان خود را با به حاشیه راندن متن و معنای گفتنمانی رقیب و برجسته‌سازی عناصر و معنای گفتنمانی خود و سپس بر اساس غیریت‌سازی و تضاد با دو گفتنمان: پادشاهی - سلطنتی و مارکسیسم - لنینیسم، مفصل‌بندی نمودند. همچنین نشان می‌دهد آبخور گفتنمانی گفتنمان جنگل به رهبری میرزا کوچک دو گفتنمان پیشین یعنی: مشروطه‌خواهی و اتحاد

اسلام بوده است. رویه تفسیری جنبش جنگل وام‌دار دو گفتمان پیشینی خود است اما بداعت گفتمان جنگل در دال مرکزی آن نهفته است. جنبش جنگل بر دال مرکزی نظام جمهوری برسازی شده است؛ هرچند در زمان و وقته طبیعی‌شدگی با تضاد حوزه گفتمانی و سیاسی انگلستان مواجه گردیدند و در نتیجه تفوق آن‌ها دچار گسست و واژگونی شده است اما همچنان آینه‌ای قابل کاوش و عبرت است.

در مورد پیشینه پژوهش دسته‌بندی و داده‌هایی از این دست لازم به ذکر است: حجم زیادی از مقالات و کتب نوشته‌شده درباره جنبش جنگل در حوزه تاریخ اعم از: تاریخ نقلی، تاریخ تحلیلی، تاریخ نظامی، تاریخ شفاهی و نقلِ خاطرات است و بسیاری از آن‌ها از چارچوب نظری و تئوری و نوآوری اجتماعی و سیاسی خالی می‌باشند. در دسته‌بندی بقیه منابع که فراتر از حوزه تاریخی هستند در ارتباط با موضوع این مقاله دسته‌ای از منابع که به نقش دولت انگلیس در ایران و تحولات جنبش جنگل پرداخته‌اند منابع ذیل داده‌های ارزشمندی دارند: کتاب غلامحسین میرزا صالح (۱۳۶۹) گزارش‌های سفارت انگلستان را خبر می‌دهد؛ مانند کتاب فتح اله کشاورز (۱۳۹۱) و کتاب عباس پناهی (۱۳۹۸) و خاطران ژنرال دنسترویل (۱۳۶۱) و دو کتاب ناصر عظیمی دویخشتری (۱۳۹۴) و (۱۳۹۹) نیز در بحث برآمدن سردار سپه تا برافتادن رضاشاه مبسوطاً به بحث اجتماعی- تاریخی پرداخته و حاوی داده‌ها و اسنادی در مورد نقش انگلیس در برابر جنبش جنگل هستند. همچنین کتاب خسرو شاکری (۱۳۸۶) و کتب و آثار جدید پژمان دیلمی (۱۳۸۹) و نیز (۱۹۹۴) و (۱۹۹۹) با ارائه تحلیل سیاسی- اجتماعی نشان می‌دهند انگلستان چه نقش و تأثیری در سرنوشت و ساختار تحولات جنگل داشته است. همچنین عباس پناهی در دو مقاله خود (۱۳۹۶) و (۱۴۰۰) جایگاه جنبش جنگل را در سیاست دولت‌های بزرگ نشان می‌دهد. پایان‌نامه مهشید قنبری (۱۳۹۶) و مجید رحمانی (۱۳۹۱) نیز تلاشی این‌گونه دارد. همچنین در کتاب بهنام کریمی آسیب‌شناسی جنگل (۱۳۸۲) به تضادهای داخلی و خارجی (روسیه و انگلیس) در فرایند جنبش جنگل توجه شده است.

در سابقه پژوهشی دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها که بحث جمهوری را در جنبش جنگل بازتاب می‌دهند منابع زیر مهم می‌باشند: شاپور رواسانی (۱۳۶۳) در کتاب خود نهضت

میرزا کوچک جنگلی به موضوع اولین جمهوری شورایی در ایران می‌پردازد. او در فصل چهارم کتاب چگونگی تشکیل و سقوط جمهوری شورایی جنبش جنگل را از مطالب ترجمه‌شده آلمانی به دست می‌دهد؛ اما به بحث گفتمان و نظام معنایی نمی‌پردازد. بلکه بیشتر بحث حزب کمونیست ایران را طراحی می‌کند. رواسانی دو مقاله مرتبط و پیاپی در مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی نیز دارد (۱۳۸۴). افشین پرتو (۱۳۹۱)، در کتاب گیلان و خیزش جنگل به جمهوریت جنبش می‌پردازد.

از مقالات همایشی، در همایش بازشناسی نهضت جنگل (۱۳۸۱) تعداد ۳۴ مقاله، در همایش ملی سال (۱۳۹۳) ۴۶ مقاله برگزیده و به چاپ رسید. همچنین است مقالات موجود در همایش ملی گیلان در انقلاب مشروطه (۱۳۹۱)، و نیز در همایش بازتاب داخلی و خارجی جنبش جنگل (۱۴۰۰) ۷۰ مقاله برگزیده‌اش جملگی مورد واریسی و مطالعه قرار گرفت. هیچکدام از مقالات همایشی، جنبش جنگل از منظر تحلیل گفتمان مورد پژوهش قرار نداشته است. بلکه اساساً جستجوی نگارنده جهت یافتن پژوهشی که در چارچوب تحلیل گفتمان جنبش جنگل را مورد واریسی قرار داده باشد و بخواهد بر وجه تعارض جنبش با سیاست انگلستان تمرکز کند، منتج به یافتن سابقه‌ای نبود. دو کتاب مأخذ شناسی تحلیلی توصیفی جنبش جنگل از عباس پناه (۱۳۹۵) و راهنمای توصیفی مأخذ نهضت جنگل از بهنام رضانی نژاد (۱۳۹۷) فهرست جامعی از پژوهش‌های انجام‌شده داخل ایران را مرتب و لیست نموده‌اند. محتوای عناوین در دو کتاب ارزشمند مأخذ شناسی نیز گواه این ادعاست. در عوض دو کتاب لاکلائو (۱۹۹۰) و لاکلائو و شنتل موفه (۱۹۸۵) به غنای بحث تئوریک تحلیل گفتمان مدد می‌رسانند. نهایتاً اینکه این مقاله اولین پژوهش و دریچه‌ای است تا ابعاد و محتوای هویتی جنبش جنگل را از منظر تحلیل گفتمان با تمرکز به دیپلماسی انگلستان مورد واکاوی قرار داده است.

۱. چارچوب نظری: تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان روش تفسیری و پسامدرنیستی است و جزو روش‌های کیفی محسوب می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱). علت انتخاب مفاهیم و مفروض‌های تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه به‌عنوان روش و نظریه برای تحلیل جنبش جنگل به این دلیل است که کاربری تحلیل گفتمان از مفاهیم اصلی و مرتبط به‌عنوان مقاله است و ظرفیت و توانایی لازم برای تشریح متغیرهای این پژوهش را دارد و علاوه بر بداعت قادر است دریچه‌ای تازه در حوزه پژوهش‌های جنبش جنگل باز نماید.

نظریه گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد. این نظریه روشی را که نظام‌های معنایی (گفتمان‌ها) طرز آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان در جامعه را شکل می‌دهند بررسی می‌کند و به تجزیه و تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد. مفهوم گفتمان دربرگیرنده همه انواع اعمال سیاسی و اجتماعی و از جمله نهادها و سازمان‌ها است (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۶). تحلیل‌گر گفتمان سعی در درک چگونگی تولید کارکرد و تحول گفتمان‌هایی می‌کند که فعالیت کارگزاران اجتماعی را ساخت می‌دهند. ارنستو لاکلائو و شنتال موفه مطرح می‌سازند که اشیاء و عملکردها تنها زمانی معنادارند که گفتمانی شده باشند. آنان هیچ‌چیز را به‌خودی‌خود دارای هویت نمی‌دانند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

با توجه به اینکه چارچوب نظری مقاله حاضر، نظریه تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه است، لازم است مفاهیم کلی آن ذکر گردد و سپس پنج مؤلفه اساسی گفتمان که در این پژوهش مورد کاربرد قرار گرفته‌اند تشریح شوند. مطالعات فرسبی کاربرد نظریه تحلیل گفتمان بر مبنای مفاهیم کلیدی ذیل انجام پذیر است: گفتمان^۱، مفصل‌بندی^۲، هژمونی (استیلا یا تفوق)^۳، قابلیت دسترسی^۴، اعتبار^۵، عناصر^۶، و قته‌ها (لحظه‌ها)^۷، زنجیره هم‌ارزی و تفاوت^۸، انسداد (توقف)^۱، دال مرکزی (نقطه مرکزی)^۲،

1. Discourse
2. Articulation
3. Hegemony
4. Availability
5. Credibility
6. Elements
7. Moments
8. Chain Equivalence and Difference

حوزه گفتمانی^۲، بی‌قراری (از جا شدگی)^۴، مشروط/محمتمل بودن^۵، ضدیت (غیریت یا خصومت)^۶، فردی (سوژگی)^۷، عاملیت اجتماعی^۸، سوژگی سیاسی^۹، دال مرکزی^{۱۰}، دال‌های شناور^{۱۱}، هویت^{۱۲}، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی^{۱۳}، رویه تفسیری^{۱۴}، طبیعی‌شدگی^{۱۵}؛ برای کاربرد الگوی تحلیل گفتمانی لاکلائو و موفه، در این مقاله بر محورهای زیر بیشتر تمرکز و تأکید شده است: حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، رویه تفسیری، غیریت‌سازی، دال مرکزی، طبیعی‌شدگی.

۱-۱. حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی

در درون هر گفتمان عنصرها و رفتارها از کلیه بخش‌های جامعه قرار دارد. در نظریه لاکلائو و موفه بیان می‌شود که مفصل‌بندی به‌کارگیری اجزاء و عناصر، جمع‌آوری و ترکیب آن‌ها در یک هویت جدید است. در فرایند گفتمان، دال‌ها و نشانه‌های پراکنده، به شکل یک شبکه مرتبط می‌گردند سپس در آن ارتباط شبکه‌ای معناهایشان تثبیت می‌گردد. مهم‌ترین این نشانه‌ها، دال مرکزی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابد. برای جمع شدن معنای نشانه‌ها درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی و برای آنکه یک نشانه با نشانه‌های دیگر در شبکه گفتمانی سازگار شود، یک معنا از معناهای متعدد در آن گفتمان، برجسته گشته و در پیوند با عنصرهای موجود تثبیت می‌گردد و معناهای دیگر بر اثر تقلیل معانی به حاشیه رانده می‌شوند. در این حالت، نشانه‌ها حول یک نقطه مرکزی، یعنی نشانه برجسته‌ای که در مرکز گفتمان دارای قطعیت معنایی است، می‌چرخند تا به تدریج بر اثر منظم شدن با آن هماهنگ شوند و معناهای دیگر آن‌ها به حاشیه رانده شود (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۵).

9. Closure
10. Nodal Point
11. Field of Discursivity
12. Dislocation
13. Contingency
14. Antagonism
15. Subjectivity
16. Social Agency
17. Political Subjectivity
18. Master Signifier
19. Floating Signifiers
20. Identity
21. Marginalization and highlighting
22. Interpretive procedure
23. Naturalization

۲-۱. بهره‌وری از رویه تفسیری

روش و قاعده در نظارت بر گفتمان، تداوم گفتمانی و نیز حیات بخشی به فرایند گفتمان را رویه تفسیری گویند. رویه تفسیری موجب می‌شود تا در چارچوبی از آداب مشخص مجموعه‌ای از گفتارها تکرار شوند. این تکرار در وضعیت‌ها و احوالات مشخص مستمراً به زبان می‌آیند و باز تکرار می‌شوند. چرخش این تکرارها موجب ارزش و اعتبار آن می‌گردد. به قول فوکو، تفسیر تضمین‌کننده پایداری، مشروعیت و غنای یک متن است (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۶). چرخش مداوم متن‌ها موجب واپس زدن متن‌هایی می‌گردد که چندان چیزی درباره آن‌ها گفته یا نوشته نمی‌شود (میلز، ۱۳۸۸: ۸۸). قسمت بسیار جالب در بحث رویه تفسیری مربوط به راز آلودگی است. در متن‌های گفتمان به‌ویژه وقتی توسط رهبران اجتماعی صادر می‌گردد توسط بسیاری راز آلوده تلقی می‌شود. این متن، متن اولیه است که نیاز به راز زدایی و به اصطلاح تفسیر دارند. متن ثانویه عهده‌دار راز زدایی از متن اولیه هستند مفسران با تفسیر روایی به این مهم اقدام می‌نمایند. در رویه تفسیری ثانویه هسته اولیه مشروعیت سیاسی نهفته است. عنصرهای نزدیک به رهبران عالی جنبش‌های اجتماعی اغلب به کار راز زدایی پرداخته و به ایجاد و پایداری مشروعیت سیاسی مبادرت می‌نمایند. آن‌ها با رویه تفسیری به تداوم چرخش و غنای متن گفتمانی اقدام می‌کنند. آن‌ها سوژه‌های مختلف را با شیوه‌های متنوع تفسیری حول دال مرکزی بازتاب می‌دهند. لازم به توجه است که البته متن‌های ثانویه مفسران همواره محدود به متن‌های اولیه‌اند.

در گفتمان جنبش جنگل این رویه تفسیری در گزاره‌ها، در سوژه‌ها و در متن‌ها را در اقدامات فرهنگی عناصر جنبش جنگل می‌توان مشاهده و رؤیت نمود. توضیح آن در صفحات آینده خواهد آمد.

۳-۱. غیریت‌سازی

گفتمان‌ها از راه غیریت‌سازی در گفتمان رقیب به هویت‌یابی و بازتولید خود می‌پردازند. در کشمکش و تخاصم با یک یا چند گفتمان رقیب است که یک گفتمان هویت می‌یابد و در واقع، با طرد غیرخودی، خویش را تثبیت و واقعیت را به شکل جدید تعریف می‌نماید. اساساً گفتمان‌ها بدون رقیب هرگز به‌طور تمام و کمال مستقر نمی‌شوند.

(یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۹۱). گفتمان‌ها از راه منفی نشان دادن گفتمان غیر، هویت خویش را تثبیت می‌نمایند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر تهدیدکننده آن‌ها باشند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۹۳). فرایند غیریت‌سازی از منظر لاکلائو و موفه بر اساس دو مفهوم: منطق هم‌ارزی و منطق تفاوت توضیح داده می‌شود. منطق هم‌ارزی، شرط وجودی هر صورت‌بندی جدید است. در نتیجه این فرایند، تمایزات از طریق مفصل‌بندی بین دال‌ها کاهش می‌یابد و آن‌ها را در برابر غیر، منسجم می‌نماید. فرایند غیریت در گفتمان جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان در سه غیر، قابل تشخیص بوده است. در واقع، گفتمان جنگل سه غیر دارد: غیر ایرانی، غیر اسلامی، غیر سلطنتی.

۴-۱. طبیعی‌شدگی

اغلب ایدئولوژی گفتمان‌ها در صورت‌بندی‌های خود تلاش دارند تا ویژگی‌های ایدئولوژیک گفتمان را پنهان سازند. در واقع از این راه می‌خواهد صورت و ویژگی گفتمان‌ها را طبیعی جلوه دهد. از این طریق به مشارکت‌کنندگان این احساس را منتقل نماید که در داخل گفتمان، پدیده‌ها و روابط بین آن‌ها آن‌چنان‌اند که باید باشند و بسیار طبیعی و عادی هستند. پس ما در حالت عدم شفافیت کارکرد ایدئولوژی‌ها با بحث طبیعی‌شدگی در گفتمان‌ها مواجه خواهیم بود. طبیعی‌شدگی از برسازه‌های نورمن فرکلاف در حوزه مباحث گفتمانی است. وی مفهوم طبیعی‌شدگی را برای کارکرد ایدئولوژی به کار می‌برد تا از این طریق غیرطبیعی‌شدگی گفتمان‌ها را آشکار سازد. او در تلاش است تا نشان دهد گفتمان‌ها در نهایت کار خود، ساختارهایی که بدیهی انگاشته می‌شود را واسازی می‌کنند. واسازی، تلاشی است برای نفی ساختار به‌عنوان پیش‌فرض موجود برای فهم (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

به نظر می‌آید دال مرکزی گفتمان جنبش جنگل (جمهوریت شورایی) به‌عنوان نظام بدیل سلطنت در فرایند طبیعی‌شدگی دچار وقفه و انسداد گشته است و در نتیجه تعارض گفتمانی درون جنبش جنگل رویه تفسیری خود را در سال‌های پایانی عمر جنبش از دست داده است سپس بازگشت به گفتمان سلطنت در هم‌آوایی با دیپلماسی فعال بریتانیا تقویت‌شده و اقتدار خود را مجدداً بازیافته است. این بازگشت نتیجه مذاکرات

سه گانه با رهبریت انگلستان و سپس دست‌یابی به توافق سه‌گانه‌ای بود که دیگر در آنجا جایی برای جنبش جنگل نمی‌توانست وجود داشته باشد. توضیح بیشتر را در ادامه خواهیم دید.

۲. دیپلماسی انگلستان و مواجهه آن با گفتمان جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک:

در تاریخ معاصر ایران اولین گسست از نوع نظام حکومت سلطنتی در تحولات مشروطه‌خواهی ایران (۱۲۸۵) وجود دارد. مشروطه‌خواهان ایرانی با رویکرد گفتمانی جدید نگرشی دیگر و جدید را برای نظام حکومتی ایران بازتاب می‌دادند. جنبش جنگل نیز چون مشروطیت، تحول‌خواهی و تغییرات بنیادینی را بازتاب می‌داد و آبخشور تغییر خواهی خود را از مشروطیت ایرانی وام می‌گرفت. با این فرق که گفتمان جنبش جنگل در پی بازتکرار گفتمان مشروطیت نبود بلکه در فرایند رشد خویش گفتمانی فراتر از مشروطه را در دسترس قرار می‌داد. به‌گونه‌ای که شخص شاه در نظام حکومتی آن جایگاه مرکزی نداشت (دال مرکزی) و دال‌های آن به دنبال مدلول‌هایی فراتر بودند (جمهوریت و نظام شورایی). در ادامه بحث به صورت‌بندی گفتمان جنبش جنگل گیلان و مفروضه‌های مرتبط آن از طریق مفاهیم گفتمانی ذیل مبادرت خواهد شد: حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، رویه تفسیری، دال مرکزی، غیریت‌خواهی، طبیعی‌شدگی، مستندات و فکت‌های تاریخی برای هرکدام از مفاهیم گفتمانی گفته‌شده قابل اقامه است. به‌قرار ذیل:

۱-۲. حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی‌های متقابل بین دیپلماسی انگلیس و جنبش جنگل:

همواره جنبش جنگل و میرزا کوچک دو دولت روسیه و انگلستان را دولت استعماری تلقی می‌نمود. از این‌رو عوامل و عناصر جنبش جنگل از آغاز تا پایان سیاست ضد انگلیسی را تعقیب داشتند. شکل‌گیری جنبش جنگل در ایران نتیجه سیاست‌های مداخله‌گرانه دو دولت انگلیس و روسیه پس از عقد قرارداد ۱۹۱۷ م و ناکارآمدی نظام حکومتی ایران بوده است (مهرداد و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۹). روس‌ها پس از اولتیماتوم به دولت ایران، برای جلوگیری از ایجاد مقاومت در گیلان، برخی از آزادی‌خواهان گیلانی را بر دار کرده و باقی آن‌ها نظیر کوچک خان، میرزا رحیم شیشه‌بر و سردارمحبی و دیگران را از این سرزمین تبعید نمودند (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۸). این اقدامات روس‌ها به

معنای اشغال کامل سرزمین گیلان محسوب شد و روحیه ضد روسی را بیش از گذشته در گیلان شعله‌ور ساخت. در نتیجه، بسیاری از مجاهدان مشروطه که این زمان در تهران گرد آمده بودند، جذب حزب دمکرات - که تمایلات ضد روسی داشت - شدند. مجاهدان تنها راه برون‌رفت از فشارهای رو به افزایش روسیه و انگلستان را شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه در گیلان می‌دانستند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۴۲).

زمانی که انقلاب ۱۹۱۷ بلشویک‌ها در روسیه پیروز شد انگلستان تدابیر و اقدامات جدی برای مقابله با خطر کمونیسم در ایران به‌ویژه در شمال به انجام می‌رساند. سه دسته از اقدامات اولیه انگلستان قابل رصد است در گام اول از افسران مخالف انقلاب بلشویکی حمایت آشکار و نظامی نمود. از دنیکن، از کلچاک و دیگران. در گام دوم به بهانه حفظ خطوط نظامی مناطقی که روس‌ها از آن خارج می‌شدند را سریعاً به اشغال درمی‌آورد. در گام سوم تلاش می‌کرد تا قبل از قدرت‌گیری مجدد روسیه ایالت‌های جنوبی آن را به شکل جمهوری‌های مستقلی درآورد (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۶۴).

به نظر می‌آید رهبران جنبش جنگل که در ذهنیت خود همواره روسیه تزاری و انگلستان را در چپاول و استعمار ایران سهیم می‌دانستند بعد از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷. م و سقوط تزاریسم روسیه و با پیروزی لنین، خود را از جانب روسیه در امنیت می‌دیدند و تنها قدرت جهانی معارض را انگلستان می‌پنداشتند؛ از این جهت بود که بی‌مهابا و بی‌احتیاط به انگلستان به‌عنوان دولت استعمارگر - در بیانیه‌ها و در مقالات متعدد و در روزنامه رسمی جنبش جنگل (روزنامه جنگل) - به حمله و موضع‌گیری منفی می‌پرداختند. به‌عنوان نمونه در شماره دوم روزنامه جنگل مقاله‌ای تحت عنوان یک دادخواهی وجدانی سیاست استعماری روسیه تزاری و انگلستان مورد حمله و نکوهش است (نعمتی لیمانی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۵).

همچنین رفتارهایی که نشانگر برجسته‌سازی طرفین است را در مواردی از این دست می‌توان ملاحظه نمود: در شماره ۹ روزنامه جنگل در مقاله‌ای با عنوان مقاصد انگلیسی‌ها در جنوب، اهداف استعماری انگلستان مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گیرد (نعمتی لیمانی، ۱۳۸۹: ۶۲). همچنین در شماره ۲۷ روزنامه جنگل به دلایل برخورد و دستگیری یکی از دیپلمات‌های انگلستان (کاپیتان نوئل) می‌پردازد. اقدامات و تبلیغات ضد انگلیسی

جنگلی‌ها، با واکنش و تلاش انگلیسی‌ها در وابسته نشان دادن جنگلی‌ها مواجه می‌گردد. انگلیسی‌ها گروه جنگل را وابسته به دولت بیگانه عثمانی و آلمان معرفی نمودند. تا جایی که تنش‌ها بین دو طرف شدیدتر گردید و در واکنش متقابل رهبران جنبش جنگل اقدامات انگلیس را تلاش‌هایی برای محو استقلال ایران خواندند. شماره ۱۲ روزنامه جنگل به‌وضوح مواضع تند ضد انگلیسی جنبش جنگل را بازتاب می‌دهد. کنش متعارض و اقدام شدیدتر بعدی انگلستان روان کردن ژنرال استوکس و نیکتین برای مذاکره و رسیدن به توافق و ارائه پیشنهاد مبنی بر قبول استیلای جنگلی‌ها در خطه شمال تحت نظارت انگلستان بود. پاسخ صریح میرزا کوچک به آن منفی بود (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۰۶). سرانجام در ۲۲ خرداد ۱۲۹۷ انگلیس به منجیل حمله نظامی نمود و موفق شد نیروهای ژنرال دنسترویل را به باکو روانه کنند (دنسترویل، ۱۳۵۷: ۲۲۴).

سپس مجدداً باب مذاکره سیاسی با جنگلی‌ها را گشودند. این بار پیشنهاد صلح پذیرفته شد. به نظر می‌آید هدف سیاسی انگلیسی‌ها مهار موقت جنگلی‌ها و خرید زمان برای فرصت مناسب بود اما این خواب آنان با ورود ارتش سرخ شوروی به گیلان و قدرت‌یابی مجدد جنگلی‌ها پریشان شد و معادلات سیاسی آنان را تغییر داد.

۲-۲. رویه تفسیری جنبش جنگل و مواجهه با دیپلماسی انگلیس

تکرار و تفسیر موجب پایداری و مشروعیت متون گفتمانی می‌شود. گفتمان‌ها طی گذشت زمان طولانی به سطحی از طبیعی‌شدگی می‌رسند که حقیقت بدیهی تلقی می‌شوند یعنی درواقع با تکرار مستمر و تفسیر همه جانبه مفسران، صورت ایدئولوژیک خود را پنهان می‌سازند. فرکلاف این حالت را طبیعی‌شدگی ایدئولوژی می‌نامد (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۵۰). متن‌های اولیه در جنبش‌های اجتماعی که عمدتاً توسط رهبران صادر می‌شوند رازآلودند و نیاز به راززدایی و تفسیر دارند. با ارائه تعبیر و تفسیرهای ثانویه هم متن با تفسیر و تکرار ایضاح گردیده و مقبول مخاطب می‌شود و هم اسباب حفظ و ارتقای مشروعیت سیاسی گفتمان جدید فراهم می‌آید. اغلب متن‌ها و تصمیم‌های رهبران جنبش، نیازمند تفسیر و تعبیر هستند. نقش مفسران برای اعمال رویه تفسیری در این زمان، حساس و حیاتی است. در شگردهای مفسران است که هسته اولیه مشروعیت سیاسی نهفته است. رهبران خُرده حول رهبری جنبش‌اند و به‌مانند

فرهیختگان در کنار رهبر به تفسیر متن اولیه اقدام می‌نمایند. آن‌ها با عمل تفسیری خود مستمراً به ایجاد چرخش در متن گفتمانی مبادرت می‌ورزند. آن‌ها عاملان مؤثر اجتماعی گفتمان‌ها هستند. آنان سوژه‌های مختلف و یا متن‌های رازآلوده را با شیوه‌های متنوع و مقبول مورد تفسیر قرار می‌دهند و با این رفتار نه تنها از گسست جلوگیری نموده بلکه معانی گفتمانی و دال مرکزی را تعمیق نموده و بازتاب می‌دهند و جذابیت می‌آفرینند.

این گزاره‌ها و سوژه‌های مختلف و متنوع تفسیری از جانب مفسران را در اقدامات فرهنگی جنبش جنگل می‌توان رؤیت نمود و نشان داد. در رأس این فعالیت‌ها ارگان رسمی جنبش جنگل یعنی روزنامه جنگل قرار دارد. روزنامه جنگل به منزله اولین رویه تفسیری در گفتمان جنگل تلقی می‌گردد. جنبش جنگل در گیلان در سال دوم از زندگی سیاسی - اجتماعی خود به انتشار روزنامه جنگل از تاریخ ۱۹ شعبان ۱۳۳۵ ق پرداخت. در ابتدا به عنوان زبان هیئت اتحاد اسلام بر مرام‌نامه خود تکیه زد و آن را گوشزد نمود. در شماره پنجم روزنامه جنگل در خصوص مقوله‌های میهن، قانون اساسی، وابستگی به بیگانه؛ این چنین می‌خوانیم: هیئت اتحاد اسلام ... در آتیه به هر اقدام مشروع دست زدند، مطابق تمام قوانین جاریه مملکت، اصول و مواد کلی و جزئی قوانین موضوعه دارالشورای کبرا که کعبه آمال فداییان ایران است، خواهد بود» (روزنامه جنگل، س اول: ش اول).

در فرایند راززدایی جنبش، اهداف جنبش جنگل در روزنامه جنگل این گونه تبیین می‌شود، می‌نویسد: «ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم، استقلالی به تمام معنای کلمه؛ یعنی بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی، اصلاحات اساسی مملکت، رفع فساد تشکیلات دولتی؛ که هر چه بر سر ایران آمده از فساد تشکیلات است» (روزنامه جنگل، س اول: ش ۲۸؛ فخرایی، ۱۳۵۷: ۵۱). در رویه تفسیری از روزنامه جنگل همواره مقصود و مراد از اجنبی و بیگانه دو دولت انگلیس و روسیه تزاری بوده است.

همچنین از جمله متون ثانویه در زمره رویه تفسیری مکتوبات خود میرزا کوچک جنگلی است. این مکتوبات در چارچوب: نامه‌ها، مقاله‌ها، معاهدات و سخنرانی‌ها و گزارش‌ها قابل احصاء است. هم اکنون با قطعیت تاریخی مجموعاً حدود هفتاد نامه از

وی با مهر و امضای میرزا قابل دسترسی و استناد هستند. همچنین از دیگر متون ثانویه در زمره رویه تفسیری جنبش جنگل نشریه دانش است که اقدامات فرهنگی حسین کسمایی و برادر ایشان احمد کسمایی بوده و منتشر می‌شده است و نیز دیگر اقدامات فرهیختگان رشتی و لاهیجی اقدامات فرهنگی شخصیت‌هایی چون: احسان اله خان دوستدار و نیز دکتر ابراهیم حشمت در این جرگه هستند. همچنین در چارچوب رویه تفسیری جنبش جنگل مواضع و اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های هیئت و سپس کمیته اتحاد اسلام قرار دارد. به‌ویژه در مراحل نخست تکوین جنبش جنگل نقش اتحاد اسلام پررنگ است. هرچند تمامی اهداف جنبش جنگل در گفتمان اتحاد اسلام و دولت عثمانی که پشتیبان آن بود بازتاب نمی‌یابد اما مقدار زیادی از آن‌ها بازتاب‌دهنده رویه تفسیری جنبش جنگل در حداثی سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۶. ش و رویه و مشای میرزا کوچک و جنبش جنگل است. شاید در فرایند جنبش جنگل در ایران (به‌طور عام) متن روزنامه پرچم سرخ و نیز اقدامات فرهنگی حزب عدالت را در زمره رویه تفسیری جنبش بتوان قرار داد چنانچه می‌توان بعضی از اقدامات حیدرخان عمو اوقلی را در زمره رویه تفسیری جنبش اجتماعی جنگل قرار داد.

۲-۳. جمهوریت شورایی، به‌مثابه دال مرکزی جنبش جنگل و بازتاب‌های آن

دال‌ها که نمایانگر رابطه غیریت هستند در تحلیل اقدامات سلطه و شیوه عاقلانه شناخت سیاسی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۶). به نظر می‌آید نقش اندیشه‌های انقلابیون سوسیالیست که در حزب سوسیال‌دمکرات ففقاژ عضو بودند و به شکل سازمان‌دهی شده علیه روسیه تزاری و حکومت سلطنتی اقدام می‌کردند در آشنایی ابتدایی میرزا با اندیشه سوسیالیسم و کمونیسم سهم بسزایی دارند (مرکز اسناد جمهوری آذربایجان، سند شماره: ۰۹۴-۱۹۷/۳۴۵).

در اول خردادماه ۱۲۹۹. ش نشستی بر عرشه کشتی کورسک با بودن میرزا کوچک خان و حسن آلیانی و سعد الله درویش و میر صالح مظفر زاده و اسماعیل جنگلی و گائوک و راسکولنیکف برپا شد. در آن نشست تلاش در راه برپایی دگرگونی و انقلاب در ایران و برافراشتن پرچم انقلاب سرخ بود. همه خموشانه پذیرا بودند مگر میرزا کوچک خان که بر آن باور بود که میهن‌گرایی و دین‌باوری ایرانی‌ها ما را از

تن دادن به انقلابی کمونیستی بازمی‌دارد ایستادگی میرزا کوچک خان در برابر پذیرش خواسته‌های راسکولنیکف در نشست ۲ خرداد ۱۲۹۹ موجب شد تا ارژنیکیدزه کمیسر عالی قفقاز از باکو به انزلی بیاید و بر عرشه کشتی کورسک شرکت و مذاکره نماید. ارژنیکدزه در آن نشست سخن آخر را به میان آورد و به اعضای شرکت‌کننده گفت: رفقا، آنچه این مرد درست قول و باایمان می‌گوید، من بی‌چون‌وچرا تصدیق می‌کنم و موافقت خود را با تمام اظهارات تاکتیکش اعلام می‌دارم. زیرا او در تحرک و جنبش کشورش مجرب است و پیشرفت انقلاب را مدنظر دارد و از شما می‌خواهم که بیانات و نقشه آینده‌اش را تأیید کنید (فخرایی، ۱۳۵۷: ۲۴۴). با گفته او مذاکره به سرانجام رسید و پذیرای توافقی این‌گونه شد:

- ۱- عدم اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و الغای مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات
- ۲- تأسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت
- ۳- تأسیس مجلس مبعوثان پس از ورود به تهران و برپا کردن هر نوع حکومتی که نمایندگان ملت بخواهند.
- ۴- سپردن مقدرات انقلاب به دست این حکومت و عدم مداخله شوروی‌ها در ایران
- ۵- هیچ قشونی نباید بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران علاوه بر قوای ۲۰۰۰ نفره موجود از شوروی وارد ایران شود.
- ۶- مخارج این قشون به عهده جمهوری ایران است.
- ۷- شوروی باید هر مقدار مهمات و اسلحه که جمهوری ایران بخواهد، در مقابل دریافت قیمت تسلیم نماید.
- ۸- کالای بازرگانی ایران که در باکو ضبط گشته است باید تحویل حکومت جمهوری ایران شود.
- ۹- همه مؤسسات تجارتی روسیه در ایران باید به حکومت جمهوری واگذار گردد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۲۴۴). در ابتدا کمونیست‌ها از جنگلی‌ها حمایت می‌کردند و میرزا کوچک خان را به‌عنوان قهرمان آزادی ایران می‌ستودند (Beyraq-e Edalat, 1920).



در این موافقت‌نامه چهار بار واژه جمهوری (جمهوری انقلابی- جمهوری ایران- حکومت جمهوری) تکرار شده است و در بند دوم آن از تأسیس نوع حکومتی جدید یعنی جمهوری انقلابی سخن به میان آمد. البته جنبه موقت را ذکر نموده و سپس توضیح می‌دهد که نمایندگان ملت ایران در مجلس مبعوثان نوع حکومت ایران را تعیین خواهند نمود. در همین راستا در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۲۹۹ برابر با ۶ ژوئن ۱۹۲۰، اعلامیه‌ای از سوی نهضت جنگل منتشر شد مبنی بر اینکه قوه جنگل با استعانت از حقوق حقه سوسیالیسم، داخل مرحله انقلاب سرخ‌شده، اصول سلطنت در ایران را ملغی و حکومت جمهوری موقت را اعلام، هر نوع قراردادی که به ضرر ایران، قدیماً یا جدیداً با هر دولتی منعقدشده باشد لغو است. در بند چهار این اعلامیه نیز آمده بود که حکومت موقت جمهوری، حفظ شعائر اسلام را از جمله فرایض خود می‌داند (رواسانی، ۱۳۸۴: ۸۴ ش: ۳ و ۴). با توجه به این مرامنامه می‌توان تغییرات اساسی برنامه‌های سیاسی و اقتصادی جنبش جنگل را دریافت. خوانش گفتمان رهبری جنبش بیانگر نقش و هویت جنبش در وقته تاریخی است (Laclau & moufe, 1985). میرزا کوچک اعلامیه‌ای در تاریخ سوم آوریل ۱۹۲۰ برابر با ۱۳ مرداد ۱۲۹۹ با این مضمون منتشر می‌نماید:

گفته‌ام و می‌گویم باید استقلال ایران محفوظ باشد. باید رشته انقلاب و زمام حکومت ایران در دست ایرانی باشد. با انگلیسی‌ها چرا طرفیم؟ برای اینکه در ایران آمدند، در ایران ماندند و دخالت در امور ایران کردند. در این پرسش و سپس پاسخی که بلادرنگ خود میرزا کوچک مطرح می‌کند به غیریت با گفتمان انگلوفیل و حامیان نظام معنایی سلطنتی در آخرین نوشته‌هایش تأکید دارد و می‌نویسد: با دولت طرفیم برای اینکه ظلم می‌کند و به جان و مال مردم تعدی و تجاوز می‌کند. سپس می‌نویسد: سویت روسیه اگر مطلع بشوند بلاشبهه جلوگیری خواهند کرد اما اگر بعد از اطلاع قادر به جلوگیری نشدند آن وقت تکلیف ما این است که کمونیست‌ها با انگلیس‌ها و دولت مستبد ایران را در یک ردیف گذاشته به نام حفظ وطن و حفظ ایرانیت و محافظه حقوق اجتماعی از همه دفاع کنیم.... یقین دارم که خدا، یار و مددکار ما خواهد بود. زنده‌باد جمهوری ایران، مرده باد انگلیس و خائنین، پست باد منافقین. میرزا کوچک. (رواسانی، ۱۳۸۴: ۸۸ ش: ۳ و ۴).

۲-۴. غیریت‌سازی جنبش جنگل و دیپلماسی دولت انگلیس

در این تحلیل شناسایی گفتمان‌های متخاصم و فضای تخاصم اهمیت ویژه دارد زیرا اساساً گفتمان‌ها به دلیل وجود دشمن و متنازع، هویت پیدا کرده‌اند و نظام معنایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌نمایند (سلطانی، ۱۳۸۸: ش: ۲۸). گزارش‌های تاریخی و تحلیلی فرایند جنبش جنگل در مواجهه با دیپلماسی انگلیس را بازتاب می‌دهد. با توجه بر اینکه در گفتمان جنبش جنگل سه غیر خودی و به اصطلاح سه غیر وجود دارند: غیر ایرانی، غیر اسلامی، غیر سلطنتی؛ اقدامات و هویت انگلیسی حاوی هر سه شاخص غیراست. ذیلاً به بعضی از فاکت‌های سیاسی-تاریخی جهت توضیح متن تحلیل استناد می‌شود:

پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م، دیپلماسی انگلیسی علاوه بر مسئله جنگل، باید برای ایجاد قدرتی متمرکز در ایران که بتواند در مقابل شوروی مقاومت کند، برنامه‌ریزی می‌نمود. لرد کرزن اهداف انگلستان را در این برهه بیان می‌کند: ایران بایستی همیشه مقدرات و سرنوشت خویش را به کمک و مساعدت ما تعیین نماید (مکی، ۱۳۵۷: ۱۱). از این رو، خط‌مشی بریتانیا در ایران پس از انقلاب اکتبر بر این محور قرار گرفت تا کابینه‌ای تحت فرمان خود در ایران بر سر کار آورد و به وسیله آن اهداف خود را عملی سازد (مابری، ۱۳۶۹: ۳۲۹). به این خاطر، سرپرسی کاکس به تهران به عنوان سفیر اعزام گردید. وی مأموریت داشت امنیت را در ایران برقرار نماید و شخص مناسبی برای تشکیل دولت مقتدر انتخاب نماید (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۹۷/۴)؛ اما برای استقرار چنین دولتی با توجه به آشفتگی سیاسی ایران و وقوع مانعی چون جنبش جنگل زمان زیادی مصروف می‌شد.

پس نخستین برخورد نظامی بین قوای انگلیس با قوای جنگل در ۴ رمضان ۱۳۳۶. ق رخ داد و موجب ازهم‌پاشیدگی انسجام قوای جنگل شد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۳۲). جنگلی‌ها بر اساس مکتوبات روزنامه جنگل و قبل از وقوع جنگ منجیل اهداف سیاسی انگلستان را می‌شناختند. پس اهداف انگلستان در ایران در روزنامه جنگل مورد هدف قرار می‌گرفت. در شماره ۱۲ به تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۲۹۶ برابر با ۵ اکتبر ۱۹۱۷ چنین می‌خوانیم: بانی این تهمت‌ها ... مشتعل کننده آتش جنگ بین‌المللی ... همان گرگ مدعی چوپانی، همان طرفدار دروغی ملل صغیر یعنی دولت عدالت‌گش انگلیس است و بس.

مقصودش چیست؟ مقصودش محو استقلال ما، تصرف خانه موروثی ما، اسارت ابدی ما است (نعمتی لیمایی، ۱۳۸۹: ۷۹). انگلیس پس از پیروزی ابتدایی در نبرد منجیل، جنگ بین قوای جنگل و انگلیس تا مرداد ۱۲۹۷ ادامه داشت. جنگلی‌ها با ناامن کردن جاده رشت - قزوین تلاش داشتند تدارکات ارتش بریتانیا را با مشکل مواجه سازند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۷۲). جنگلی‌ها تسلط بی‌فیدو شرط بر گیلان را برای انگلیسی‌ها سخت می‌کردند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۶۲).

همچنین وقتی کابینه دوم وثوق‌الدوله در تاریخ ۶ مرداد ۱۲۹۷. ش باهدف سروسامان دادن به امور آشفته ایران، سرکوبی جنبش جنگل و انعقاد قرارداد با بریتانیا شروع به کار کرد (عاقلی، ۱۳۶۹: ۹۱). انگلیسی‌ها به وثوق‌الدوله کمک کردند تا نخست آشزوری مانند جنبش محمدتقی پسپان (تبریز) را فرونشاند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲۶۹/۴)؛ و مهم‌ترین گام وی از میان بردن جنبش جنگل بود. به دستور وثوق‌الدوله فرمانده قوای قزاق استاروسلسکی، حمله همه‌جانبه به جنگلی‌ها که با پشتیبانی نیروی نظامی بریتانیا همراه بود، صادر نمود (مدنی، ۱۳۷۷: ۶۲؛ جنگلی، ۱۴۵۷: ۱۱۸). به دنبال آن، جنگلی‌ها به جنگل‌های شرق گیلان و تنکابن عقب نشستند. برآیند این شکست، ایجاد ناامنی در بین برخی از کهنه سربازان جنگلی‌ها بود و به دنبال آن دکتر ابراهیم حشمت به قوای دولتی تسلیم شد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۷۶).

همچنین زمانی که کابینه وثوق‌الدوله (عاقده قرارداد ۱۲۹۹) در چهارم تیرماه ۱۲۹۹ سقوط نمود و اجرای قرارداد ۱۲۹۹ مسکوت و بی‌اثر شد، دیپلماسی انگلستان به شکل دیگری ترسیم و به اجرا درآمد و آن عبارت بود از ایجاد روابط مسالمت‌آمیز بین ایران و شوروی (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۷۱/۳). تبلیغات انگلیسی‌ها شروع شد ابتدا خطر کمونیسم در انظار عمومی و به‌ویژه در انظار دولتمردان و شخص شاه (احمدشاه) بزرگنمایی شد و نیز به‌ظاهر انگلوفیل‌ها از سلطنت احمدشاه حمایت کردند (رحمانیان، ۱۳۷۹: ۴۰).

جالب آنکه انگلیسی‌ها به هنگام ورود ارتش سرخ شوروی در انزلی و اکنش و مقاومت نمودند بلکه تا قزوین عقب نشستند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۳۵)؛ و از این جالب‌تر اینکه وقتی احمدشاه قاجار با قرارداد ۱۹۱۹ (ایران انگلیس) مخالفت نمود و اکنش سریع در تغییر او و سلطنتش نمودند، بلکه پیش از اجرای چنین نقشه‌ای تصمیم گرفتند تا کاراترین

مخالفان و اپوزیسیون ضد انگلیسی را از بین ببرند و در رأس اپوزیسیون ضد انگلیسی، جنبش جنگل و رهبران آن بودند. رهبران جنبش جنگل در این زمان با ارتش سرخ و با چپ‌های طرفدار لنین ائتلاف داشتند. دیپلماسی انگلیس برای مهار و سرکوب جنبش جنگل دست به کنش زد و به اجرای این طرح اقدام نمود. ابتدا کمیته آهن را تأسیس نمودند. اعضای کمیته آهن طرفداران و ثوق‌الدوله و قرارداد ۱۹۱۹ افرادی مانند میرزا کریم‌خان رشتی و سید ضیاءالدین طباطبایی بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۴: ۱۵۱). دو هدف اصلی کمیته آهن عبارت بود از نابودی جنبش جنگل و نفوذ در دستگاه دیوان و نظامی جهت مدیریت ایران. کمیته آهن یک گروه از متمولین و پولداران گیلانی اما ضد میرزا کوچک پدید آورد تا ضمن خنثی نمودن عملیات بلشویک‌ها بتوانند میان رهبران جنبش جنگل تفرقه ایجاد کنند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۷۱).

به نظر می‌آید که آن‌ها وظیفه داشتند با ارتکاب فجایع گوناگون موجبات انزجار مردم گیلان و رشت را از بلشویسم فراهم نمایند. اولین موفقیت آنان زمانی حاصل شد که توانستند بین احسان‌اله خان دوستدار، خالو قربان، حیدر خان عموآوغلی، میرزا کوچک نفاق ایجاد کنند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۵۲/۴). یقیناً به درستی می‌گوید: میرزا کوچک در این لحظات (۱۲۹۸. ش) به این نتیجه رسیده بود که کار کردن با بلشویک‌ها سخت‌تر از کار کردن با انگلیسی‌ها است (یقیناً، ۱۳۶۳: ۵۰). به این جهت بود که با حالت قهر، اسلحه و پول برداشت و با قوایش به جنگل بازگشت. اما و در عوض احسان‌اله خان دوستدار (از رهبران جنگلی ولی شیفته چپ مارکسیسم و لنین) در اقداماتی خودسرانه تحت تأثیر سردار محیی و تحریکات ساعدالدوله فنودال، برای فتح تهران قشون کشید ولی مفتضحانه شکست خورد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۴۷).

در حال این شکاف در درون جنبش جنگل اعمال شد. در واقع، این شکاف در ارکان جنبش جنگل حکایت از موفقیت اولیه کمیته آهن (موفقیت طرح انگلیسی) داشت. آن‌ها اما برای نابودی کامل و سیاسی جنبش جنگل یک‌چیز کم داشتند و آن رضایت رهبران شوروی بود. در تهران اما با سقوط کابینه و ثوق‌الدوله، این مشیرالدوله بود که رئیس دولت شد. در این زمان انگلستان با فراخواندن بخشی از نیروهای خود و قطع کمک مالی مشیرالدوله و نیز احمدشاه قاجار را برای اخراج استاروسلسکی (فرمانده قزاق و

مخالف قرارداد (۱۹۱۹) و نیز تصویب قرارداد ۱۹۱۹ تحت فشار قرار داد (شمیم، ۱۳۷۸: ۶۳۹). آنگاه با ایجاد نارضایتی بین سربازان و افسران قزاق زمینه‌های کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را چید. واکنش مشیرالدوله منفی بود او خواسته‌های انگلستان را نپذیرفت و امضای قرارداد ۱۹۱۹ را به خروج نیروهای انگلیسی از خاک ایران مشروط دانست (آوری، ۱۳۷۸: ۲۱۶). ولی سه ماه بعد کابینه‌اش را ساقط کردند. حال زمینه کودتا ساخته شده بود.

۳-۴. طبیعی‌شدگی جنبش جنگل و دیپلماسی انگلیس در انسداد و واژگونگی جنبش

ایدئولوژی گفتمان‌ها، اغلب در صورت‌بندی‌های خود تلاش دارند تا ویژگی‌های ایدئولوژیک گفتمان را پنهان سازند. درواقع از این راه می‌خواهد صورت و ویژگی گفتمان‌ها را طبیعی جلوه دهد. در صددند از این طریق به مشارکت‌کنندگان این احساس را منتقل نمایند که در داخل گفتمان، پدیده‌ها و روابط بین آن‌ها آن‌چنان‌اند که باید باشند و بسیار طبیعی و عادی هستند.

ایدئولوژی جنبش جنگل در صورت‌بندی گفتمانی خود تلاش نمود تا ویژگی‌های ایدئولوژیک آن پنهان بماند و این موجب آثار متعدد و متغایر تا حال حاضر (مهر ماه ۱۴۰۱) از متن و معنای جنبش شده است. به نظر می‌آید این تلاش در سه سال پایانی عمر جنبش (سال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹. ش) ناموفق بوده است. جنبش جنگل می‌خواست از این طریق به مشارکت‌کنندگان و عناصر و دال‌های شناور این احساس را منتقل نماید که پدیده‌ها و حوادث و روابط بین آن‌ها آن‌چنان‌اند که باید باشند و امور عادی و طبیعی است. گفتمان جنبش جنگل نتوانست ایدئولوژی خود را به مرحله کامل طبیعی‌شدگی مبدل سازد. دال مرکزی جنبش جنگل (جمهوریت شورایی) به‌عنوان نظام بدیل سلطنت در فرایند طبیعی‌شدگی ناکام ماند. دلیل عمده و اساسی این ناکامی را در دیپلماسی انگلستان در ایران و منطقه و چالش آن در مواجهه با جنبش جنگل می‌توان سراغ گرفت. چگونه دیپلماسی انگلستان توانست از طبیعی‌شدگی جنبش جنگل ممانعت به عمل آورده و جنبش را واژگون کند؟ به نظر می‌آید در دو عرصه به این تعارض گفتمانی می‌توان توجه نمود. در عرصه داخلی: استفاده دیپلماسی انگلستان از انگلوفیل‌های حکومتی در

داخل ارکان دولت در تهران و در شخص نخست‌وزیر، همان‌گونه که از وثوق‌الدوله جهت استخدام تیمورتاش برای فریب دکتر حشمت و احمد کسمایی سود بردند و آن دو را از میرزا و جنبش جدا نمودند. جدایی آنان و سپاهشان آغاز ناقوس شکست سیاسی جنگل بود (در ۲۱ اردیبهشت ۱۲۹۸)؛ و نیز استفاده ابزاری از پایگاه‌های طبقاتی و اجتماعی انگلیسی همچون: اشراف، خان‌ها و متنفذان گیلان. همچنین خرید عناصر و نیروهای ضعیف‌النفس و شناور و پراکنده و مفلس. کارنامه خالو قربان و برادرش گواهی است بر این قضیه؛ اما در عرصه بین‌المللی مواردی از این دست قابل استناد است: عقد قرارداد ۱۹۱۹ و مسکوت ماندن آن. همچنین رو آوردن دیپلماتیک انگلستان به عقد قرارداد دوجانبه ۱۹۲۱ با شوروی و آثارش که خود نشان‌دهنده کامیابی این دیپلماسی و ناکامی جنبش جنگل بوده است.

در این ارتباط چند فاکت تاریخی و تبلیغی (مانند روزنامه رعد) زمینه این دیپلماسی موفق انگلستان را فراهم آورد. در پروپاگاندا این دیپلماسی افراد و روزنامه‌های طرفدار انگلستان جایگاه ویژه دارند. تبلیغات روزنامه رعد در بزرگنمایی خطر کمونیسم و بلشویسم، افکار عمومی ایرانیان را آماده‌تر می‌ساخت و به قول شمیم این احساس در ایرانیان پدیدار شد که باید مردی آشنا به دردهای آنان برخیزد (۱۲۹۹. ش) و دردهایشان را التیام دهد (شمیم، ۱۳۷۸: ۶۴۱). در همین اثنا آبرونساید ژنرال انگلیسی با رضاخان و فرمانده آتریاد همدان مشغول مذاکره شد. احمدشاه در سوم ۱۲۹۹ با ورود قزاق‌ها به تهران با فرماندهی رضاخان و سید ضیاءالدین طباطبایی آگاه بود اما به‌دقت نمی‌دانست از فردای آن روز زمام تمامی امور ایران در اختیار انگلیسی‌ها قرار خواهد گرفت. از آن پس (پسا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹. ش) دیپلماسی انگلیسی دیگر تشویشی نداشت چون قسمت دوم طرح به‌راحتی انجام می‌پذیرفت یعنی جلب رضایت رهبران شوروی. انگلستان در دو محور سیاسی و تجاری روابط خود با شوروی را آغاز نمود. حال حتی می‌توانستند برای کاهش هزینه‌های مالی و اقتصادی، قوای خود را از ایران کاهش داده یا تخلیه کنند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۷۱/۳). چهار روز پس از امضا پیمان ایران و شوروی، رشت و انزلی از قوای روسیه تخلیه شد. سپس یک ماه بعد یعنی در ششم فروردین ۱۳۰۰، روتشتین نخستین سفیر شوروی وارد تهران گردید (عاقلی، ۱۳۶۹: ۱۰۴). هم‌زمان

کراسین نماینده روس‌ها در لندن مشغول مذاکره و توافق نهایی با انگلیسی‌ها بود (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۶۶).

توافق و بهبود روابط شوروی و انگلیس در واقع ناقوس محو سیاسی حضور جنبش جنگل به رهبری حضرت میرزا بود. به قول فخرایی با بهبود روابط شوروی و انگلیس باید محو جنبش جنگل جامعه عمل به خود می‌گرفت (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۵۳). دیپلماسی انگلستان در قبال جنبش جنگل سیاست دوگانه و مختلف نبوده است، بلکه روش شفاف و البته مخالف در همه موارد علیه جنبش جنگل و همه رهبران‌اش داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

این مقاله درصدد بوده است تا نشان دهد دیپلماسی انگلستان در تعارض هم‌زمان با دیگر سیاست‌های جهانی و البته با جنبش جنگل چگونه قابل تحلیل است. در این فرایند با استفاده از مفروضه‌ها و مفاهیم تحلیل گفتمان و بهره‌وری بیشتر از مؤلفه‌های: حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی، رویه تفسیری، غیریت‌خواهی، دال مرکزی، طبیعی‌شدگی؛ تحلیل گفتمانی جنبش جنگل و البته واژگونی آن مقدور به نظر رسید. یافته‌های تحقیق نشان داده است که مذاکرات سه‌گانه بین تهران+مسکو، مسکو+لندن، لندن+تهران؛ به امضای قراردادهایی بین تهران و مسکو از یک‌سو و مسکو و لندن در سال ۱۲۹۹ (زمستان) انجامید. این قراردادهای توأمان، سنگ بنای نوع تازه‌ای از روابط سیاسی بین ایران-انگلیس و ایران-روسیه از کار درآمد. بر اساس این قراردادها مناطق نفوذ سنتی دو کشور خارجی همچنان حفظ می‌شد. امر بدیع در روابط پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ این بود که انگلستان توانست سیاست نواستعماری خود را در ایران علی‌رغم چالش‌هایی که با نهضت جنگل پیدا نمود اما و همچنان برقرار کند و در همان حال اجازه دهد دولت جدید شوروی حقوق ویژه خود را، هرچند به شکلی جدید و با ابزارهایی تازه، در ایران حفظ نماید. جنبش جنگل به‌منزله گفتمان نوپدید در تاریخ معاصر ایران بوده است و دارای موفقیت‌های قابل‌توجهی است. توانست گفتمان جدید و دال مرکزی جمهوریت شورایی را برای ایرانیان اعتباربخشی نماید. گفتمان جدید و نوظهوری که هیچ در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران سابقه نداشت. همچنین در فرایند غیریت‌سازی و گذار گفتمانی جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک موفق به دو گذار گفتمانی شد؛ یعنی در

گذار از گفتمان مشروطه‌خواهی سلطنتی و گذار از گفتمان اتحاد اسلام موفق بود. همچنین موفق بود و توانست در برابر دو گفتمان سنت‌گرای پادشاهی سلطنتی و گفتمان چپ مارکسیست - لنینیستی و دال‌های مرکزی آن‌ها غیریت و تضاد مستمر ایجاد نماید. کارش از آن‌رو مؤثر افتاد که در فضای متضاد و رقابت به دلیل مفصل‌بندی خاص همواره در دسترس عناصر اجتماعی‌شناور بود و همواره جانب استقلال‌خواهی ایران را در مقابل بیگانه به‌ویژه سیاست جهانی انگلستان داشته است.

اما با این وصف ایدئولوژی جنبش جنگل در پی صورت‌بندی خاص و بدیع خود به‌عنوان پدیده طبیعی شده نتوانست تثبیت شود. به‌گونه‌ای که ماهیت ایدئولوژیک آن در ارتباط با حق حکومتی و نظام‌مندی جدید به شکل معمول و ممکن به منصفه ظهور رسد و به امکان استیلا و سلطه بر ایران رسد جمهوریت جنگل در برابر دیپلماسی انگلستان و گفتمان بازگشت به سلطنت دوام نیاورد. عدم توفیق در طبیعی‌شدگی گفتمان جنبش جنگل خود یکی از عوامل ناکامی و جلوگیری این گفتمان در ایجاد هژمون و سلطه گفتمانی بر گستره ایران‌زمین در سه سال پایان عمر جنبش بوده است. در عوض تفوق دیپلماسی انگلستان جنبش جنگل را دچار گسست و سپس در نتیجه مذاکرات و توافق سه‌گانه دولت‌های: انگلیس، شوروی، ایران دچار واژگونی نمود. توافق و مذاکراتی که هم‌زمان بین تهران + مسکو، مسکو + لندن، لندن + تهران در جریان بود. به قول شاکری در واقع سرنوشت نهضت جنگل و همچنین سرنوشت ایران در پیوند با مذاکرات سه‌گانه قرار گرفت (شاکری، ۱۳۸۶: ۳۲۷). با این وجود جنبش جنگل توانسته است با گفتمان خود حول دال مرکزی جمهوریت آن را برجسته و به قطعیت نزدیک نماید و از جمهوریت آینده‌ای قابل کاوش و عبرت و قابل آسیب‌شناسی برای فرهیختگان بسازد. درست به همین خاطر جنبش جنگل باگذشت بیش از یک‌صد سال هنوز ارزش بازخوانی دارد.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، نقد و ارزیابی تحلیل گفتمان لاکلا و کاربرد آن در سیاست، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره: ۴۲، شماره ۴.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.

- آوری، پیتر (۱۳۸۷)، **تاریخ ایران دوره افشار، زند، قاجار**. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات جامی.
- پرتو، افشین (۱۳۹۱)، **گیلان و خیزش جنگل**، چاپ اول، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- پناهی، عباس (۱۳۹۵)، **مآخذشناسی تحلیلی جنبش جنگل**، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- پناهی، عباس (۱۳۹۸)، **اسناد گیلان در دوره پهلوی اول**، رشت: فرهنگ ایلیا.
- پناهی، عباس (۱۴۰۰)، **تأثیر انگلستان بر رویکردهای نظامی، فکری و سیاسی جنبش جنگل، فصلنامه تاریخ ایران و اسلام**، دانشکده سیستان و بلوچستان، پاییز.
- پناهی، عباس مهر نیا، امیر (۱۳۹۶)، **جنبش جنگل در پرتو کشمکش قدرت‌های بزرگ، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۷، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۴)، ص ۲۱۵-۲۳۶. دانشگاه گیلان، مجموعه مقالات (۱۳۹۱)، همایش ملی، **گیلان در انقلاب مشروطه**، پژوهشکده گیلان شناسی، دانشگاه گیلان، مجموعه مقالات (۱۳۹۳)، همایش ملی، **نقش نهضت جنگل بر تحولات فکری و اجتماعی تاریخ معاصر ایران**، پژوهشکده گیلان شناسی.
- دسترویل، چارلز (۱۳۵۷)، **امپریالیسم انگلیس در ایران و قفقاز**، ترجمه حسین انصاری. تهران: کتابخانه منوچهری.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، **حیات یحیی**، ج ۳ و ۴، تهران: انتشارات فردوسی و عطار.
- دیلمی، پژمان (۱۳۸۹)، **سیمای پنهان پوپولیست‌های رشت**، برلین: نشر گردون. رحمانیان، داریوش.
- (۱۳۷۹)، **چالش جمهوری و سلطنت در ایران؛ زوال قاجار و روی کار آمدن رضاشاه**، تهران: نشر مرکز.
- رحمانی، مجید (۱۳۹۱)، **نهضت جنگل و روابط بین‌الملل**، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری، رساله ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده علوم انسانی.
- رمضانی نژاد، بهنام (۱۳۹۷)، **کتاب‌شناسی نهضت جنگل**، رشت: ایلیا.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۳)، **نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران**، تهران: چاپخش.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۴)، **نهضت جنگل و بنیان‌گذار آن میرزا کوچک جنگلی**، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، سال ۲۰، پیاپی (۲۱۸-۲۱۷) مهر و آبان، شماره ۱ و ۲ و شماره: ۳ و ۴ (پیاپی ۲۲۰-۲۱۹) آذر و دی، شماره ۳ و ۴.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، **تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش**، فصلنامه علوم سیاسی، زمستان، شماره ۲۸.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، **قدرت، گفتمان و زبان**، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نی.

- شاکری، خسرو (۱۳۸۶)، *میلاد زخم؛ جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران*، ترجمه شهريار خواجهیان، تهران: اختران.
- شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۸۷)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: نشر زریاب.
- عاقلی، باقر. (۱۳۶۹)، *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب*، تهران: نشر گفتار.
- عظیمی، ناصر (۱۳۹۴)، *روایتی نو از جنبش و انقلاب جنگل*، تهران: نشر ژرف.
- فخرایی، ابراهیم. (۱۳۵۷)، *سردار جنگل*، تهران: نشر جاویدان.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *نظم گفتار*، ترجمه عبدالقادر سواری، تهران: آگه.
- قنبری اصلی، مجید (۱۳۹۶)، *نقش انگلستان در تحولات سیاسی جنبش جنگل*، رساله ارشد، دانشگاه گیلان، پژوهشکده گیلان‌شاه.
- کریمی، بهنام (۱۳۸۲)، *آسیب‌شناسی نهضت جنگل*، تهران: قصیده‌سرا.
- کشاوری، فتح اله (۱۳۹۱)، *نهضت جنگل و اتحاد اسلام* (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)، تهران: سازمان اسناد ملی.
- گیلک، محمدعلی. (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب جنگل*، رشت: نشر گیلکان.
- مابرلی، جیمز (۱۳۶۹)، *عملیات در ایران، جنگ جهانی اول ۱۹۱۹-۱۹۱۴*، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا.
- مدنی، میر احمد (۱۳۷۷)، *جنبش جنگل و میرزا کوچک خان*، به کوشش محمدتقی میر ابوالقاسمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱)، *شرح زندگی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه*، ج ۳. تهران: انتشارات زوار.
- مکی، حسین (۱۳۵۷)، *زندگانی سیاسی احمدشاه*، تهران: امیرکبیر.
- مهرداد، جعفر؛ اصغر نیا، محمدحسن، ضیایی، عبدالحمید (۱۳۸۵)، *درآمدی تحلیلی تاریخی بر شخصیت و اندیشه‌های میرزا کوچک خان*، رشت: حرف نو.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۶۹)، *جنبش میرزا کوچک خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلستان*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- میلز، سارا (۱۳۸۸)، *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
- نعمتی لیمایی، امیر. (۱۳۸۹)، *مجموعه روزنامه‌های جنگل (نشریه نهضت جنگل)*، مشهد: نشر امید مهر.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۸)، *نظریه گفتمان*، ترجمه سید علی‌اصغر سلطانی. فصلنامه علوم سیاسی، پاییز، شماره ۲.

یقیکیان، گریگور. (۱۳۶۳). شوروی و جنبش جنگل، به کوشش برزویه دهگان. تهران: نشر نوین.
یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران:
نی.

Beyraq-e Edalat (1920), 23 May

Dailami, Pezhmann (1994), **Nationalism and Communism in Iran: The Case of Gilan, 1915-1921**, Ph.D. Thesis. Manchester: University of Manchester, 1994, pp: 24-167.

Dailami, P (1999), **Braving in Tehran and the Origins of Soviet Policy in Iran, Revolutionary Russia**, 12(2) (December): pp: 63-82.

Laclau, Ernesto (1990), **New Reflections in the Revolution of Our Time**, London: Verso.

Laclau, E & Moufe. Chantal (1985), **Hegemony and Socialist Strategy: towards a Radical Democratic Politics**, London: Verso.

Laclau, E & Moufe. C (1985), **Hegemony and Socialist Strategy: towards a Radical Democratic Politics**, London: Verso.

